

The Impact of the Military-Industrial Complex on US Foreign Policy Towards Russia and China (2001 to 2020)

Hamed Mousavi¹

Assistant Professor, Regional Studies Department, Faculty of Law
& Political Science, University of Tehran

Majid Adeli

M.A., Regional Studies Department, Faculty of Law & Political
Science, University of Tehran

(Date received: 24 April 2021 - Date approved: 5 February 2022)

Abstract

Introduction: The 9/11 attacks US media propaganda to combat terrorism led many countries worldwide to ally with the US. In the meantime, even America's traditional rivals, Russia and China, came to terms with this. This approach, which extremist ideologies have influenced in areas such as the Chechen Autonomous Region in Russia and Xinjiang in China, has changed over time as the goals of American politicians behind their counter-terrorism policy became apparent. This behavior change was strongly influenced by the provocative and at times controversial actions of the US towards China and Russia, to the extent that even in the last days of 2014, and due to the tense activities of the US in regards to the expansion of NATO to Eastern European countries and toward the borders of Russia, led the country to define NATO as a military threat and even its number one enemy, in its new security doctrine. On the other hand, the adoption of provocative US policies toward China, especially in the last two decades, such as keeping tensions between South Korea, Japan and North Korea high in order to pressure China, has also become centerpiece of the US foreign policy. During the presidencies of George Bush, Barack Obama, and Donald Trump, increasing pressure on China to limit its power has become more pronounced.

Research Question: The Main Question is: what impact has the military-industrial complex had on the US foreign policy toward Russia and China.

¹E-mail: hamedmousavi@ut.ac.ir (Corresponding author)

Research Hypothesis: The Hypothesis posed the question as mentioned earlier is that the flow of the military-industrial complex, using the available capacities, as well as its effective pillars, headed by military contractors, by influencing the decisions of US officials, has led to the adoption of military arms sales policies under the pretext of limiting great powers such as China and Russia. Along with the increasing trend of military contractors' incomes, it has provided the cause of discord and tension in the regions of East Asia and Eastern Europe.

Methodology (and Theoretical Framework if there are): Due to the fact that most researchers in the field of regional studies use the combined method in their research, this method will also be used in this research. In this method, both quantitative and qualitative methods are used. In the research process, the library method is used to collect data. In this method, two types of first-hand and second-hand sources are used; From first-hand sources, we can mention interviews, documents and news, and from second-hand sources, we can mention books, articles and strategic reports. In addition, due to the volume of research and related articles, Internet resources, including the sites of think tanks and research centers, have been used.

Results and discussion: One of the main reasons for the US policies cited above during the last two decades is the fulfilment of the interests of the US military-industrial complex. A trend has led the country's officials to create discord and tension in many parts of the world, including East Asia and Eastern Europe. Meanwhile, the role of military contractors as one of the critical pillars of this process, which is known as to the link between other pillars of the military-industrial complex, is vital in adopting this policy. The arms industry, in the last two decades and due to the circumstances after September 11, has increased its influence, concluded heavy arms contracts and has made huge profits. At the same time, it has created military dependence in some countries in the East Asian and Eastern European regions, as well as increased tensions in these areas.

Conclusion: The Military contractors have constantly tried to persuade countries in the region to increase their “security” by threatening Russia and China. At the same time the escalation of tensions has benefited them and they have used widespread lobbying and even bribery to achieve the continuance of weapons purchases. Military arms companies such as Lockheed Martin and Northrop Grumman, which use their close ties to US officials and influential politicians to stabilize profitability and even increase it, often sacrifice US national

security. For example, the above policy have encouraged Russia and China, to develop advanced military weapons in order to counter American power. This has sometimes been achieved by stealing the intellectual property of advanced American weaponry and has provoked protests from US officials to the extent that it is mentioned in the 2017 US National Security Strategy as a threat to the country.

Keywords

Military-Industrial Complex, Conflict, Lockheed Martin, Military Contractors, Northrop Grumman

تأثیر مجتمع‌های نظامی- صنعتی بر سیاست خارجی ایالات متحد در برابر روسیه و چین (۲۰۰۱ تا ۲۰۲۰)

حامد موسوی*

استادیار، گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

مجید عادل

دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶)

چکیده

رویداد یازده سپتامبر در سال ۲۰۰۱ بهانه‌ای شد تا مقام‌های ایالات متحد مبارزه با تروریسم جهانی را بهانه‌ای برای به‌کارگرفتن سیاست‌های تنش‌زای خود در جهان مطرح کنند. سیاستی که در ادامه و به سبب نفوذ عاملی به اسم مجتمع‌های نظامی- صنعتی در ساختار قدرت آمریکا، با بزرگ‌نمایی تهدیدهای کشورهای چین و روسیه، موجب تنش و اختلاف در تعدادی از مناطق از جمله آسیای شرقی و اروپای شرقی شده است. از این‌رو، این پرسش مطرح می‌شود که مجتمع‌های نظامی- صنعتی آمریکا چگونه بر سیاست خارجی این کشور در برابر روسیه و چین تأثیر گذاشته است؟ در پاسخ، این فرضیه مطرح می‌شود که مجتمع‌های نظامی- صنعتی با استفاده از ظرفیت‌های در اختیار و ارکان مؤثر خود و در نوک آن پیمانکاران نظامی، با تأثیر بر تصمیم‌گیری‌های مقام‌های آمریکایی، سبب به‌کارگرفتن سیاست فروش تسلیحات نظامی به بهانه محدودسازی قدرت‌های بزرگی مانند چین و روسیه شده‌اند. در کنار روند افزایشی درآمدهای پیمانکاران نظامی، سبب ایجاد اختلاف و تنش در مناطق آسیای شرقی و اروپای شرقی شده‌اند. در این نوشتار برای تشریح تأثیر جریان مجتمع‌های نظامی- صنعتی، از نظریه نخبگان رابرت دال به‌عنوان چارچوب نظری استفاده می‌کنیم تا در قالب آن تأثیرگذاری این جریان بر سیاست‌گذاری ایالات متحد در برابر این دو کشور بهتر تبیین شود.

واژگان اصلی

پیمانکاران نظامی، تنش، قراردادهای تسلیحاتی، لاکهید مارتین، نورثروپ گرومن.

مقدمه

اصطلاح مجتمع‌های نظامی-صنعتی با نام «دوایت آیزنهاور»^۱ سی و چهارمین رئیس‌جمهور ایالات متحد گره خورده است که در سخنرانی پایان ریاست‌جمهوری خود، نخستین بار نفوذ خاص آن در آمریکا را هشدار داده بود. آیزنهاور از فرماندهان ارتش آمریکا در جنگ جهانی دوم بود که از سال ۱۹۵۳ یعنی پایان جنگ کره تا سال ۱۹۶۱ رئیس‌جمهور این کشور بود. او با اشاره به هزینه بالای نظامی در ایالات متحد که در دوره زمامداریش به محل مناقشه‌ای بین او و مقام‌های ارشد پنتاگون تبدیل شد، معتقد بود که مجتمع‌های نظامی-صنعتی آمریکا، نتیجه دوران ریاست‌جمهوری فرانکلین روزولت^۲ و با هدف افزایش قدرت فدرال است که به تهدیدی برای اجرای مردم‌سالاری در این کشور تبدیل شده است. آیزنهاور تداوم روند افزایشی بودجه نظامی در دوران جنگ سرد را، در شرایطی که ایالات متحد در شرایط جنگی به سر نمی‌برد، ناشی از نفوذ چشمگیر این جریان دانسته است و می‌گوید در زمان پایان دوران ریاست‌جمهوری او بخش گسترده‌ای از اقتصاد و صنعت در آمریکا وابسته به فروش تسلیحات نظامی بوده است.

با توجه به سخنان آیزنهاور، روشن است که شکل‌گیری چنین جریان قدرتمند و اثرگذاری که برترین مقام یک کشور نسبت به نقش و تأثیر روزافزون آن این‌گونه ابراز نگرانی و نارضایتی می‌کند، باید پیش‌تر از این شروع شده باشد. برخی بر این باورند که آغاز آن را باید در سال‌های جنگ استقلال ایالات متحد جست‌وجو کرد. یعنی زمانی که سلاح‌های جنگی هنوز با هدف اقتصادی تولید و ساخته نمی‌شد و افراد سازنده به‌عنوان یک شغل دائمی به آن نمی‌نگریستند. اما به مرور و با شروع جنگ‌هایی از جمله جنگ با بریتانیا و مکزیک و لزوم پشتیبانی تسلیحاتی از افراد شرکت‌کننده در آن‌ها، جنبه‌های اقتصادی تولید اسلحه نیز پررنگ شد. تا جایی که ورود به قرن جدید و آغاز جنگ جهانی اول، بستر ایجاد صنعتی به نام صنعت اسلحه را نیز فراهم کرد. جنگ جهانی دوم، دوران جنگ سرد و سرانجام فروپاشی اتحاد شوروی به تثبیت نفوذ این جریان منجر شد. اما چرخشگاه مجتمع‌های نظامی-صنعتی را باید پس از رخداد یازده سپتامبر ۲۰۰۱ دانست که سبب شد، مقام‌های ایالات متحد سیاست‌هایی تنش‌زا به کار بگیرند. زمانی که این به واسطه ضلع‌های چهارگانه قدرتمند خود، قوه مجریه، کنگره، پیمانکاران نظامی و اندیشکده‌ها و به بهانه‌های گوناگون مانند بزرگ‌نمایی و تهدیدسازی و ایجاد فضای امنیتی غیرواقعی برای برخی از کشورهای آسیای شرقی و اروپای شرقی، عامل امضای قراردادهای سنگین تسلیحاتی و افزایش سفارش‌های تسلیحاتی پنتاگون به پیمانکاران نظامی و همچنین ایجاد اختلاف و تنش‌های بی‌پایان بین تعدادی از کشورهای این

1. Dwight David Eisenhower
2. Franklin Delano Roosevelt

دو منطقه شد و بر سیاست خارجی ایالات متحد در برابر روسیه و چین در راستای منافع خود تأثیر گذاشت.

در این نوشتار به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که مجتمع‌های نظامی - صنعتی آمریکا چگونه بر سیاست خارجی این کشور در برابر روسیه و چین تأثیر گذاشته است؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که مجتمع‌های نظامی صنعتی با استفاده از ظرفیت‌های در اختیار، همچون روابط تنگاتنگ خود مانند روابط دو سویه مقام‌های بلندمرتبه پنتاگون، اعضای کنگره و اندیشکده‌ها با مدیران «پیمانکاران نظامی»^۱ یا همان شرکت‌های تسلیحاتی و نفوذ در ارکان تصمیم‌ساز، با تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری مقام‌های آمریکایی، سبب به‌کارگرفتن سیاست فروش تسلیحات نظامی به بهانه محدودسازی قدرت‌های بزرگی مانند چین و روسیه شده است که در کنار روند افزایشی درآمدهای پیمانکاران، سبب ایجاد اختلاف و تنش در مناطق آسیای شرقی و اروپای شرقی شده است. اهمیت و ضرورت بررسی سیاست خارجی ایالات متحد در برابر دو کشور چین و روسیه در دوره پس‌آیازده سپتامبر و تأثیر نفوذ گسترده تولیدکنندگان تسلیحات نظامی موجب شده است که این تأثیر از زاویه‌ای نو و با بررسی دو شرکت در شمار برترین تولیدکنندگان جنگ‌افزار، یعنی لاکهیدمارتین و نورثروپ گرومن تبیین شود.

پیشینه پژوهش

ضرورت و اهمیت مطالعه تأثیر جریان مجتمع‌های نظامی صنعتی بر سیاست خارجی ایالات متحد، پژوهشگران را بر آن داشته است که در این مورد مقاله و کتاب بنویسند. در این بخش چند نمونه از مطالعات انجام‌شده در این زمینه را بیان می‌کنیم. پتراس (۲۰۰۹) در کتاب «صهیونیسم، نظامیگری و کاهش قدرت آمریکا» (ضمن اشاره به نقش لابی تسلیحات نظامی در بستن قراردادهای بزرگ تسلیحاتی در منطقه غرب آسیا، ریشه آن را متأثر از ارتباط با لابی اسرائیل می‌داند. هارتونگ (۲۰۱۲) در کتاب «پیامبران جنگ» با اشاره به نفوذ پیمانکاران نظامی، نقش شرکت لاکهیدمارتین در سیاست‌های به‌کارگرفته‌شده مقام‌های آمریکایی را بررسی می‌کند. مک کارتنی (۲۰۱۵) در کتاب «ماشین جنگی آمریکا» با بیان ابعاد پشت پرده سیاست‌های جنگ‌طلبانه ایالات متحد، پنتاگون را سردمدار سیاست‌های جنگ‌افروزان آمریکا معرفی می‌کند. ساپولسکی، غولز و تالمدرج (۲۰۱۷) در ویرایش سوم از سری کتاب‌های خود با عنوان «سیاست‌های دفاعی آمریکا: ریشه‌های سیاست‌های امنیتی» همراه با بررسی راهبرد

دفاعی ایالات متحد، به چگونگی و چرایی قراردادهای تسلیحاتی و نقش کنگره بر سیاست‌های امنیتی آمریکا می‌پردازند.

هرمن (۲۰۱۱) در مقاله «چگونه صنعت دفاعی اسرائیل می‌تواند به نجات آمریکا کمک کند» ضمن مقایسه فعالیت‌های برخی از شرکت‌های نظامی اسرائیل با صنایع نظامی در آمریکا، سیاست‌های مسئولان در برابر این پیمانکاران را نقد می‌کند. ثرال و دورمینی (۲۰۱۸) در مقاله «کسب‌وکار مخاطره‌آمیز: نقش فروش اسلحه در سیاست خارجی ایالات متحد» روند صعودی قراردادهای تسلیحاتی آمریکا در دوران دونالد ترامپ را بررسی می‌کنند.

در تدوین نوشتار پیش رو از این منابع بهره بردیم. ولی کاستی‌هایی در آن‌ها وجود دارد که می‌کوشیم در این نوشتار آن‌ها را بررسی و تبیین کنیم. نمونه این کاستی‌ها توجه‌ناداشتن به تأثیر مجتمعات نظامی - صنعتی بر سیاست خارجی ایالات متحد در مناطق شرق آسیا و شرق اروپا، به‌ویژه در برابر دو کشور چین و روسیه است. همچنین بررسی مختصر نقش دو شرکت در شمار بزرگ‌ترین شرکت‌های تسلیحاتی آمریکا در سیاست‌های به‌کارگرفته‌شده این کشور در برابر چین و روسیه نیز تفاوت دیگر نوشتار پیش رو از پژوهش‌های دیگر است.

چارچوب نظری

موضوع قدرت در جامعه، همواره از موضوع‌های چالش‌انگیز در میان نظریه‌پردازان با دیدگاه‌های کثرت‌گرایی و نخبه‌گرایی بوده است. از سویی، در میان نظریه‌پردازان نخبه‌گرا و کثرت‌گرا در ایالات متحد این اختلاف نظر وجود داشته است که آیا همواره تعداد کمی بر روند تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارند یا گروه‌های متعدد این نقش را بازی می‌کنند. به این معنا که مردم زیر نظارت یک گروه نخبه محدود هستند یا گروه‌های متکثر قدرتمند. از این‌رو، کثرت‌گرایی چون ترومن،^۱ بانفیلد،^۲ لیندبلوم،^۳ ویلسون^۴ و دال،^۵ دولت ایالات متحد را عرصه‌ای برای جولان افراد، سازمان‌ها و نهادهایی دانسته‌اند که بیشتر آن‌ها با هدف‌های ایدئولوژیک یا اقتصادی قدرت خود را به‌کار می‌گیرند (Friedman, 2011; Cudworth & McGovern & Hall, 2007: 82).

این بحث‌ها با انتشار کتاب «چه کسی حکومت می‌کند» رابرت دال در سال ۱۹۶۱ وارد مرحله نوینی شد. او در کتاب خود با سنجش میزان سطح پراکندگی نفوذ، تصمیم‌گیری را در زمینه‌های گوناگون از جمله نامزدهای احزاب سیاسی بررسی کرد. دال با بررسی افرادی که در

1. David Truman
2. Edward Christie Banfield
3. Charles Edward Lindblom
4. James Wilson
5. Robert Dahl
6. Who governs

آغاز کار برنامه‌های سیاسی خود را با موفقیت گذراندند، پی برد که نفوذ افراد در یک منطقه به ضرورت، کاربست قدرت در دیگر مناطق را به همراه نخواهد داشت. او در کتاب خود با نگرشی تلفیقی، یعنی با دیدی کثرت‌گرایانه در حوزه نخبه‌گرایی، معتقد بود که هیچ گروه کوچک غالبی وجود ندارد که توان اثرگذاری در سطح ملی را داشته باشد. بلکه این گروه‌های متکثر هستند که این نقش را بازی می‌کنند. دال با استناد به پژوهش‌های میدانی خود، نخبگان دارای قدرت را مجموعه‌ای از گروه‌های کوچک نخبه می‌داند که از نظر شمارش زیاد هستند و منحصر در تعداد اندکی نیستند (Daloz, 2010: 4; Baldwin, 2016:17).

دال در سال ۱۹۵۸ و پیش از چاپ کتاب خود نیز در مقاله‌ای با عنوان «نقدی بر مدل نخبه حاکم»^۱ با بررسی تصمیم‌گیران که بازیگران عرصه قدرت هستند، می‌گوید این بازیگران، با اجرای تصمیم‌های مشخص قدرت را به کار می‌گیرند و می‌کوشند از قدرت تأثیرگذاری بر دیگران برخوردار باشند. در این زمینه به اندازه رقابت بین سازمان‌ها، گروه‌ها و احزاب سیاسی توجه شده است که سبب به کارگرفتن تصمیم‌ها می‌شود. آنچه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، افراد تصمیم‌گیر و تصمیم‌هایی است که از سوی آنان اجرایی می‌شود. از این‌رو، او معتقد است پشت افراد تصمیم‌گیر گروه‌هایی هستند که نقش مهمی در اجرایی کردن تصمیم‌ها دارند (Dahl, 1958:2).

دال با تأکید بر کثرت‌گرایی در نظام تصمیم‌گیری در ایالات متحد، دلیل این موضوع را دموکراتیک بودن نظام حکومتی در این کشور می‌داند. او به دلیل وجود تبعیض در قانون اساسی ایالات متحد، از منتقدان آن است و در کتاب «چه کسی حکومت می‌کند» وجود این نابرابری را مطرح می‌کند، ولی همچنان آن را دارای عامل‌های یک جمهوری می‌داند (Italie, 2014). او ضمن تشریح برخی از ابهام‌های موجود در نظریه کثرت‌گرایانه نخبگان، معتقد است، اگر با دید نظریه نخبه حاکم بنگریم که قائل به برتری تعداد خاص و کاربست قدرت آن‌ها در عرصه سیاسی ایالات متحد است، باید شاهد دیکتاتوری نظامی در آمریکا باشیم، در حالی که شواهد خلاف این مسئله را نشان می‌دهد. ائتلافی به نسبت بزرگ از افراد حاضر در قوه مجریه، کنگره، شرکت‌های تسلیحاتی و وزارت دفاع در نفوذ بر به کارگرفتن سیاست‌ها نقش دارند (Dahl, 1958: 4).

در بررسی جریان مجتمعاتی نظامی - صنعتی آشکارا می‌بینیم، این جریان به واسطه ضلع‌های مؤثر خود شامل قوه مجریه، کنگره و اندیشکده‌ها در قالب شبکه‌ای هم‌سو با پیمانکاران نظامی، با استفاده از ظرفیت‌های در اختیار، از جمله نفوذ در ارکان قدرت و مراکز تصمیم‌ساز، به بهانه محدودسازی قدرت دو کشور چین و روسیه قراردادهای تسلیحاتی بیشتری را با برخی از کشورهای مناطق آسیای شرقی و اروپای شرقی امضا می‌کنند. اقدامی که در کنار افزایش

1. A Critique of the Ruling Elite Model

ادامه‌دار درآمد شرکت‌های تسلیحاتی و به‌دست آوردن منافع سرشار برای دیگر ارکان مجتمع‌های نظامی صنعتی، سبب ایجاد تنش در روابط ایالات متحد با چین و روسیه شده است.

مجتمع‌های نظامی - صنعتی آمریکا

برخی از پژوهشگران معتقدند که ریشه اصلی تولید سلاح در ایالات متحد به دوران جنگ‌های استقلال این کشور بر می‌گردد. زمانی که تولیدکنندگان پس از پایان جنگ به مشاغل اصلی خود باز می‌گشتند. اما موضوعی که با آغاز جنگ جهانی اول رخداد، مسئله تجاری‌سازی و ایجاد صنعتی به نام صنعت سلاح بود. از این‌رو، شاید بتوان به‌نوعی ریشه ایجاد مجتمع‌های نظامی - صنعتی در آمریکا را در دوران جنگ جهانی اول یافت. پایان جنگ جهانی اول و رکود اقتصادی معروف به رکود بزرگ در سال ۱۹۲۹، تولید سلاح را با کاهش روبه‌رو کرد (Gansler, 2011: 27; Pavelec, 2010:16, 32). اما آغاز جنگ جهانی دوم خون تازه‌ای به رگ‌های صنایع تولیدکننده سلاح تزریق کرد. تعداد زیادی سلاح در این جنگ و سال‌های بعد از آن تولید شد و در دوران جنگ سرد، رقابت تسلیحاتی ایالات متحد با اتحاد شوروی به افزایش هزینه‌های نظامی این کشور منجر شد. بهانه تهدید کمونیسم، سیاست‌مداران آمریکایی را به داشتن ارتشی قدرتمند ترغیب می‌کرد. قدرتی که آیزنهاور با هشدار به پیامدهای ناشی از تداوم آن، به‌روشنی به رشد افسارگسیخته میزان آن توسط این جریان بانفوذ و مهارنشده اشاره کرد و آن را سبب کاهش ارزش‌های دموکراتیک و تحمیل هزینه‌های اضافی بر مردم آمریکا می‌دانست (Pavelec, 2010: 87,121).

فروپاشی اتحاد شوروی و از میان رفتن دشمن شماره یک ایالات متحد، پیمانکاران نظامی را در شوک بزرگی فرو برد. ولی برنامه یکپارچه‌سازی پیمانکاران وضعیت آن‌ها را دگرگون کرد. این اقدام با استدلال افزایش هزینه نگهداری کارخانه‌هایی که به دلیل کاهش تقاضا بی‌استفاده شده بودند، از سوی دولت مردان آمریکایی مطرح شد. از این افراد «ویلیام پری»^۱ وزیر دفاع کلینتون بود که انجام‌نشدن این کار را سبب ورشکستگی بسیاری از شرکت‌های تولیدکننده تسلیحات می‌دانست. در این زمینه شرکت‌های کوچک‌تر در صنایع بزرگ‌تر و پیمانکاران هم‌تراز به صورت ترکیبی یکپارچه شدند. برای نمونه، نورثروپ گرومن در سال ۱۹۹۴ با یکپارچه شدن دو شرکت نورثروپ و گرومن ایجاد شد. پس از آن، این شرکت، شرکت «ووت»^۲ را خرید. در ادامه، در سال ۱۹۹۶ بخش سیستم‌های الکترونیکی شرکت

1. William James Perry
2. Vought

«وستینگ‌هاوس»^۱ را خرید. لاکهید مارتین هم در سال ۱۹۹۵ با ترکیب دو شرکت «لاکهید کورپوریشن»^۲ و «مارتین مریتا»^۳ ایجاد شد. اقدامی که با افزایش پشتوانه‌های مادی و همچنین نیروی کار، ظرفیت چانه‌زنی پیمانکاران نظامی با سازمان‌ها و نهادهای حکومتی به‌ویژه کنگره و وزارت دفاع را برای امضای قراردادهای بزرگ‌تر و پیرو آن به‌دست آوردن سود بیشتر افزایش داد (Hartung, 2019, Pavelec, 2010: 39, 40).

رویداد یازده سپتامبر به چرخشگاهی برای جریان مجتمع‌های نظامی - صنعتی آمریکا تبدیل شد تا استفاده از تسلیحات پیمانکاران نظامی به بهانهٔ مقابله با گروه‌های به اصطلاح تروریستی و کشورهای شرور افزایش درخور توجهی یابد (Lofgren, 2016)^۴ جایی که به‌واسطهٔ نفوذ چشمگیر این جریان در ساختار سیاسی ایالات متحد و فضا سازی غیرواقعی برای مقابله با تهدیدها، سیاست خارجی تنش‌زای این کشور در رویارویی با کشورهایی چون روسیه و چین شکل گرفت.

روسیه

رویداد یازده سپتامبر و تبلیغات گسترده در جهت مبارزه با تروریسم، بسیاری از کشورها را به سوی ائتلاف با ایالات متحد متمایل ساخت. در این میان حتی رقیب سنتی آمریکا یعنی روسیه نیز تا حدودی با این مسئله همراه شد. رویکردی که وجود تفکرهای افراط‌گرایانه در مناطقی از جمله منطقهٔ خودمختار چین در آن مؤثر بود و با آشکار شدن ماهیت اصلی تصمیم حاکمان آمریکا از به‌کارگرفتن سیاست به اصطلاح مبارزه با تروریسم و همچنین اقدام‌های تحریک‌آمیز و در دوره‌هایی مناقشه‌آمیز ایالات متحد در برابر روسیه، این رویکرد را به مرور زمان تغییر داد. تا جایی که در روزهای پایانی سال ۲۰۱۴ و به دلیل فعالیت‌های تنش‌زای آمریکا در راستای گسترش ناتو به سوی اروپای شرقی و نزدیک شدن به مرزهای روسیه، این کشور در آیین جدید خود ناتو را تهدید نظامی و دشمن شمارهٔ یک خود معرفی کرد (Oliker, 2016).

این اقدام‌های تحریک‌آمیز و موضوع استقرار سامانهٔ دفاع موشکی در اروپای شرقی در دوران پسایازده سپتامبر و از دوران بوش پسر و با میزبانی دو کشور لهستان و چک شروع شد. سیاستی که اعتراض روس‌ها را در پی داشت. مقام‌های این کشور دلیل این مسئله را محدودسازی و اعمال فشار بیشتر به روسیه می‌دانستند. در حالی که بنا بر نظر سنجی‌ها بیشتر

1. Westinghouse Electric Corporation
2. Lockheed Corporation
3. Martin Marietta Corporation

^۴ . این کتاب به‌وسیلهٔ دکتر الهه کولایی و دکتر زکیه یزدانشناس به فارسی برگردانده شده و پژوهشکدهٔ مطالعات راهبردی

مردم دو کشور لهستان و چک نیز مخالف این برنامه آمریکا بودند. ولی مقام‌های آمریکایی مدعی بودند که محافظت اروپا از تهدید موشک‌های ایران، که برد آن‌ها نیز روند صعودی به خود گرفته بود، دلیل این جانمایی بوده است. مسئله‌ای که با تصمیم اوباما مبنی بر تغییر مکان آن‌ها از یک مکان ویژه به یک نیروی دریایی متحرک و واکنش شدید جمهوری خواهان، ادعای روس‌ها را تأیید کرد (Hadar, 2009).

در این میان، پرسش اصلی این بود که آیا لهستان و چک یا اروپا از سوی روسیه یا حتی ایران تهدید می‌شوند؟ تفاوتی نمی‌کند که این جانمایی‌ها با چه هدف‌هایی انجام می‌شود. بلکه باید به هر شکل ممکن این موارد روی دهد تا شرکت‌های تسلیحاتی با تداوم تولید جنگ‌افزارهای خود، به نفوذ روزافزون و افزایش درآمدها ادامه دهند. شواهد نشان می‌دهد سیاست‌های تنش‌زا و تحریک‌کننده سیاست‌مداران آمریکایی زیر نفوذ مجتمع‌های نظامی-صنعتی انجام می‌شود. این نهادها همواره در دوره‌های زمانی گوناگون و با استدلال‌های متنوع، سیاست خارجی ایالات متحد را به سوی ایجاد فضای ناامنی غیرواقعی و اقدام‌های تنش‌زا کشانده است.

اما مشابه اقدام بوش، در دوران اوباما، با تقویت سیاست هسته‌ای ایالات متحد در تقابل با راهبرد هسته‌ای روسیه و توسعه برنامه بمب «بی ۱۲-۶۱»^۱ انجام شد. موضوعی که ضمن ایجاد نارضایتی برای مالیات‌دهندگان آمریکایی که باید هزینه اقدام‌های تهاجمی مقام‌های ایالات متحد را متحمل می‌شدند، سبب خوشحالی شرکت‌های تسلیحاتی مانند لاکهید مارتین و نورثروپ گرومن شد که بمب‌افکن‌ها و جنگنده‌های ساخت آن‌ها، توانایی استفاده و به‌کارگیری این بمب را داشتند (Chossudovsky, 2018). در ادامه این سیاست، ترامپ نیز در نشستی در سال ۲۰۱۸ از کشورهای عضو ناتو خواست با توجه به تهدیدهای روسیه تسلیحات بیشتری از ایالات متحد بخرند. او با نام‌بردن از شرکت‌های لاکهید مارتین و نورثروپ گرومن و بیان توانمندی‌های زیاد آن‌ها در تولید انواع جنگ‌افزارهای پیشرفته، خواستار افزایش خرید تسلیحات آمریکایی شد. در حالی که بررسی‌ها نشان می‌داد هزینه نظامی روسیه در سال ۲۰۱۷ با کاهش ۲۰ درصدی نسبت به زمان مشابه سال پیش خود روبه‌رو بوده است. مقام‌های ناتو به هیچ عنوان روسیه را تهدیدی زود هنگام برای ناتو نمی‌دانستند. بلکه این پیمانکاران نظامی هستند که با معرفی روسیه به‌عنوان تهدید، می‌خواهند ناتو به امضای قراردادهای تسلیحاتی بیشتر ترغیب شود (Cloughley, 2018).

1. B61-12 nuclear bomb

۱. لاکهید مارتین

در دوران ریاست‌جمهوری بیل کلینتون که معتقد به گسترش جغرافیایی ناتو بود، با فشار و پیگیری و تکرار چندساله پیمانکاران نظامی، تشکیل صندوقی به نام تضمین وام به کشورهای خریدار تسلیحات را ابتدا کنگره و سپس رئیس‌جمهور تصویب کرد. بعد از این مسئله، باید مشتریانی نیز برای خرید تسلیحات نظامی پیدا می‌شد. از این‌رو، صنایع تسلیحاتی با درک راهبرد کلینتون در تقویت و گسترش جغرافیای پیمان آتلانتیک شمالی و نگاه ویژه او به کشورهای اروپای شرقی و نواستقلال برای کنترل قدرت روسیه، برنامه‌های خود را در راستای فروش تسلیحات به این کشورها ارائه دادند (Hartung, 2012:85).

گسترش ناتو به دلیل پروتکل‌های حوزه نظامی آن که باید از سوی کشورهای عضو اجرا می‌شد و در چارچوب آن تسلیحات آمریکایی و اروپایی جایگزین نوع مشابه روسی آن می‌شد، سبب ایجاد بازار مناسبی برای شرکت‌های تولیدکننده تسلیحات شد. لاکهید مارتین نیز از شرکت‌هایی بود که برای مشاوره با کشورهای اروپای شرقی برای امضای قراردادهای نظامی، بسیار کوشید. کار به جایی رسید که حتی مسئولان لاکهید مارتین در ازای خرید جنگ‌افزارهای نظامی از آن‌ها، به کشورهای در آستانه عضویت ناتو، وعده آسان‌سازی عضویتشان را دادند. در این زمینه مسئولان این پیمانکار نظامی با کشورهایی مانند رومانی، لهستان و مجارستان نیز گفت‌وگوهایی کردند (Hartung, 2012:85).

کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی متعهد هستند، زمانی که به یکی از اعضا حمله نظامی شود، دیگر کشورها به کمک آن بشتابند. از این‌رو، سیاست ناتو جلوگیری از در معرض تهدید قرار گرفتن اعضاست. اما در سال‌های اخیر برخی از سیاست‌های به‌کارگرفته‌شده ناتو با اصل موجودیت آن تناقض داشته است. یکی از این موارد استقرار سامانه پدافند ضد موشک قاره‌پیما در رومانی است که با اصرار آمریکا و با استدلال مقابله با موشک‌های بالستیک ایران در این کشور مستقر شد. در حالی که بیشترین بُرد موشک‌های ایرانی که متعلق به سجیل است، مسافتی بین ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ کیلومتر را طی می‌کند. اگر فرض کنیم ایران این توانمندی را داشته باشد، منطقی نیست که از این ظرفیت برای هدف قرار دادن رم، ورشو یا دیگر نقاط اروپا استفاده کند. پس دلیل این اقدام‌ها از سوی ایالات متحد چیست؟ تعدادی از کارشناسان روسی، معتقد بودند که ایران بهانه بوده و هدف اصلی، روسیه است (Haines, 2016).

این مجتمع‌های نظامی - صنعتی و در سر آن پیمانکاران نظامی هستند که در پس به‌کارگرفتن سیاست‌های به این شکل قرار دارند. آن‌ها با اغراق در تهدیدهای پیش‌بینی‌پذیر از سوی کشوری چون روسیه و با ایجاد وحشت، دامن‌زدن به تنش‌ها، لابی گسترده و حتی پرداخت رشوه، تلاش می‌کنند دیگر کشورها را مجاب کنند برای افزایش ضریب امنیت خود

برای تداوم خرید جنگ‌افزارهای بیشتر اقدام کنند، تا سبب تثبیت روند سودآوری شرکت‌های تسلیحاتی شوند. در این زمینه حتی یکی از اعضای سنا پژوهش‌هایی از شرکت لاکهید مارتین شروع کرد تا مشخص شود آیا به عنوان رشوه از سوی این شرکت به مقام‌های دیگر کشورها از جمله ایتالیا، چیزی پرداخت شده است یا خیر؟ حتی در مواردی دیده شد، تسلیحاتی که پیمانکاران برای فروش آن‌ها به کشورهای اروپای شرقی با پرداخت رشوه انجام دادند، حتی در مواردی به دست کشورها و گروه‌های پشتیبان کمونیسم نیز می‌رسید و شرکت‌های تسلیحاتی به راحتی ضمن عبور از خطوط قرمز سیاست خارجی ایالات متحد که مخالف با قوانین آن نیز هست، امنیت ملی این کشور را قربانی مصالح و منافع خود می‌کردند (Hurd, 2017).

در میان کشورهای عضو ناتو که بیشترین تسلیحات را از ایالات متحد می‌خرند، دو کشور لهستان و رومانی شاخص هستند. لهستان به دلیل خرید سامانه دفاع موشکی پاتریوت، انواع موشک‌ها و همچنین جنگنده‌های اف ۱۶، مشتری ثابت جنگ‌افزارهای ساخت شرکت لاکهید مارتین در سال‌های اخیر بوده است. رومانی نیز میزبان سامانه پاتریوت و همچنین سیستم‌های موشکی است که از سوی آمریکا و با هدف فشار بر کرملین در این کشور مستقر شده است (Cloughley, 2018). دو کشوری که همواره قربانی سیاست‌های تنش‌زا و تحریک‌آمیز مقام‌های آمریکایی شده‌اند که ناشی از نفوذ مجتمع‌های نظامی صنعتی و در سر آن صنایع نظامی است (Lofgren, 2016) کشورهایی که به سبب فشار زمامداران ایالات متحد، ضمن اجرای دستورهای مورد نظر آن‌ها، روابط خود با روسیه را فدای سیاست‌های دیکته‌شده شرکت‌های تسلیحاتی همچون لاکهید مارتین به مسئولان آمریکایی می‌کنند. روابطی که در سال‌های اخیر و در پرتو سود این صنایع تیره شده است.

۲. نورثروپ گرومن

بهانه حمایت و دفاع از کشورهای اروپایی در مقابل تهدیدهایی که در بسیاری از موارد اغراق‌آمیز بوده است برای شرکت‌های تولیدکننده سلاح در قالب امضای قرارداد با کشورهای عضو ناتو سودهای سرشاری را به ارمغان آورده است. در این میان به سخنان یکی از مدیران نورثروپ گرومن در سال ۲۰۱۴ اشاره می‌کنیم که به برنامه این شرکت برای فروش ده‌ها هواپیمای بدون سرنشین در ۱۵ سال به کشورهای چین، آلمان، انگلستان و نروژ اشاره کرد. البته فروش جنگ‌افزارهای نظامی به صورت مستقیم به ائتلاف ناتو نیز از دیگر مصادیق درآمدزایی پیمانکاران دفاعی است. بر این اساس و در سال ۲۰۱۲ ناتو قراردادی ۷٫۱ میلیارد دلاری برای خرید پنج فروند هواپیمای بدون سرنشین گلوبال هاوک با شرکت نورثروپ گرومن بست که اولین آن در اواخر سال ۲۰۱۹ تحویل داده شد (Wall, 2014).

حتی در این رابطه در سال ۲۰۱۳ قراردادی از سوی شرکت نورثروپ گرومن با شرکت جنرال داینامیکس کانادا به ارزش ۳۲ میلیون دلار برای طراحی نرم‌افزاری برنامه «نظارت زمینی اتحاد»^۱ ناتو یا همان «ای‌جی‌اس»^۲ بسته شد که مدیریت ارتباط بین هواپیماهای بدون سرنشین گلوبال هاوک با پایگاه اصلی خود در ایتالیا را برعهده داشت. این برنامه با هدف اصلی ایجاد نظام نظارتی یکپارچه برای نظارت فرماندهان ناتو در هنگام عملیات و با سرپرستی شرکت نورثروپ گرومن و مشارکت ۱۵ کشور عضو ناتو ایجاد شد که در آن پنج پهباد گلوبال هاوک با وصل شدن به یکدیگر، گستره زیر نظر خود را ایجاد می‌کنند. البته موارد دیگری چون محافظت از نیروهای زمینی، مبارزه با تروریسم، امنیت مرزها و همچنین امنیت دریایی در شمار هدف‌های طراحان این برنامه بوده است (Alliance Ground Surveillance, 2019; Cole, 2013).

در سال ۲۰۱۳ و دوره دوم ریاست جمهوری باراک اوباما درخواست‌های زیادی از سوی کشورهای اروپایی از جمله آلمان و فرانسه برای خرید هواپیماهای بدون سرنشین «پردیتور»^۳ و «ریپر»^۴ مطرح شد. در صورتی که برخی از کشورها از جمله خود آلمان که نسخه اروپایی گلوبال هاوک شرکت نورثروپ گرومن محسوب می‌شد، طرح‌هایی را در حال اجرا داشتند که به دلیل هزینه‌های سنگین و موفق نبودن به حالت نیمه‌تمام در آمده و لغو شده بودند. مسئله‌ای که در سال‌های بعد و با بستن قراردادهای مستقیم برای خرید پهباد از شرکت‌های سازنده از جمله نورثروپ گرومن نیز استمرار یافت (Cole, 2013). در تداوم این روند در سال ۲۰۱۸ و در نشست، رئیس‌جمهور آمریکا از کشورهای عضو ناتو خواست که با وجود تهدیدهایی همچون روسیه، تسلیحات بیشتری از این کشور بخرند. او با اشاره به نام برخی از شرکت‌های تولیدکننده سلاح مانند نورثروپ گرومن و بیان توانمندی‌های بالای آن‌ها در تولید انواع جنگ‌افزارهای پیشرفته مانند جنگنده و موشک، خواستار افزایش خرید تسلیحات آمریکایی از سوی این کشورها شد (Cloughley, 2018).

موضوعی که به سبب نفوذ شرکت‌های تسلیحاتی مانند نورثروپ گرومن و افزایش درآمدهای آن‌ها بر انجام آن پافشاری می‌شود و کشورهای اروپایی عضو ناتو در بسیاری از موارد چاره‌ای جز پذیرفتن آن ندارند. سیاست‌هایی که ضمن ایجاد اختلاف و در معرض خطر قراردادن منافع کشورهای اروپایی، با ایجاد نارضایتی برای قدرتی چون روسیه، اقدام‌های این کشور در مقابله با رفتارهای ایالات متحد را به همراه داشته است. نگاه ویژه بر حوزه نظامی دفاعی و تمرکز بر ساخت تسلیحات بسیار پیشرفته با هدف خنثی‌سازی تهدیدهای

-
1. Alliance Ground Surveillance
 2. AGS
 3. General Atomics MQ-1 Predator
 4. General Atomics MQ-9 Reaper

سلاح‌های آمریکایی و افزایش توان بازدارندگی روسیه، اقدام‌هایی از این نوع است مانند تولید هواپیمای «سوخو ۵۷»^۱ با هزینه به مراتب پایین‌تر از جنگنده‌های نسل پنجم آمریکایی و کارایی بیشتر، سامانه‌های پدافندی همچون «اس ۴۰۰»^۲ و «اس ۵۰۰»^۳ که جنگنده اف ۳۵ را به هدفی آسان تبدیل کرده است، تولید موشک «سرمت»^۴ که توانایی افزایش یا کاهش سرعت خود پس از پرتاب را دارد و به‌عنوان قوی‌ترین موشک بالستیک اتمی دنیا شناخته می‌شود که حتی ردیابی آن با سیستم‌های پدافندی موسوم به «ای‌بی‌ام»^۵ که همواره از سوی مقام‌های پنتاگون یکی از عناصر قدرت بازدارندگی آمریکا شناخته شده و با هزینه‌های نجومی ساخته می‌شود، هم غیرممکن است. این اقدام‌ها در کنار دیگر تجهیزات و تسلیحات روسی از مواردی است که نتیجه سیاست‌های تنش‌زای ایالات متحد در اروپا و در برابر روسیه بوده است که در نوع خود قدرت رویارویی آمریکا با چالش‌های بزرگ در میدان عمل را با تردید روبه‌رو می‌کند (Pieraccini, 2017).

چین

پس از پایان جنگ دوم جهانی و در ادامه آغاز دوران جنگ سرد، آمریکا از ژاپن به‌عنوان سدی قوی در برابر شوروی کمونیست استفاده کرد. مقام‌های ایالات متحد اقدام‌هایی را برای بازسازی این کشور انجام دادند. در نتیجه ژاپن همیشه زیر حمایت آمریکا به‌عنوان مهارکننده سیاست‌های شوروی عمل می‌کرد. اما پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد شوروی که ضربه مهلکی بر اندیشه کمونیسم بود، سیاست‌های آمریکا را به‌سوی محدودسازی چین به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین حامیان این اندیشه پیش برد. اقدامی که در ادامه و به‌سبب فضای ایجادشده به‌واسطه رویداد یازده سپتامبر، منطقه شرق آسیا به‌ویژه شبه‌جزیره کره را به منطقه‌ای همیشه ملتهب تبدیل کرد. به‌کارگرفتن سیاست‌های تنش‌زای ایالات متحد در این منطقه به‌ویژه در دو دهه اخیر و حفظ دلایل درگیری بین کره جنوبی و ژاپن با کره شمالی برای فشار به چین و کنترل قدرت رو به فزونی این کشور بوده است، مانند سیاست آمریکا در برابر مسئله شبه جزیره کره در دوران بوش پسر، خودداری از مذاکره مستقیم با کره شمالی و استفاده از ظرفیت‌های چین مانند صادرات مواد غذایی و انرژی به این کشور. بوش با اطلاع از نقش مؤثر چین در تنش شبه جزیره، قائل به درگیرکردن این کشور و کاربست سیاست فشار بر کره شمالی به‌واسطه آن بود. از این‌رو، به‌کارگرفتن هرگونه تصمیمی در راستای ایجاد هزینه و

1. Sukhoi Su-57
2. S-400 Triumph
3. S-500 Prometey
4. RS-28 Sarmat
5. Anti-ballistic missile

تحریم کردن کره شمالی را تنها در صورت همکاری چین امکان پذیر می دانست. بدین معنا، خواسته بوش، درگیری مستمر چین در مناقشه کره شمالی بود (Korb & Ogden, 2005).

مسئله ای که در سال های پس از او باراک اوباما و دونالد ترامپ نیز تداوم بخشیدند و دلیل اصلی آن منافع مجتمع های نظامی - صنعتی آمریکا به واسطه تهدید جلوه دادن کره شمالی و چین بوده و مقام های ایالات متحد را به سوی به کار گرفتن سیاست ایجاد نزاع و اختلاف در منطقه شرق آسیا کشانده است. اقدامی که بر مبنای نظریه نخبگان رابرت دال در مورد تأثیر عامل هایی چون مجتمع های نظامی - صنعتی بر سیاست های به کار گرفته شده مقام های آمریکایی، ضمن ایجاد وابستگی نظامی کره جنوبی و ژاپن به آمریکا و گرفتن استقلال آن ها، موجب بستن قراردادهای سنگین تسلیحاتی با این دو کشور در سال های اخیر شده است.

در سال ۲۰۰۲ کره جنوبی می خواست ناوگان هوایی خود را با به کار گرفتن جنگنده های فرانسوی تقویت کند. اما اطلاع پنتاگون از این مسئله، سبب فشار آوردن به مسئولان کره ای و پشیمان ساختن آنان از این اقدام شد. در عوض پیشنهاد فروش ۴۰ جنگنده اف ۱۵ شرکت بوئینگ را با عددی بالغ بر چهار میلیارد دلار ارائه کردند که گران تر از نمونه فرانسوی خود بود و کره جنوبی به اجبار پذیرفت. از ابزارهای فشار آمریکا در تحمیل خواسته خود به کره جنوبی، تهدید «پل ولفوویتز»^۱، معاون وزیر دفاع، به نفروختن برخی از تجهیزات نظامی مانند موشک هوا به هوای میان برد «ایم ۱۲۰»^۲ با نام اختصاری «آمرام»^۳ به کره جنوبی بود که هوایماهای جنگنده استفاده می کردند (Johnson, 2004:151).

در دوران اوباما نیز در کنار ارتباط تنگاتنگ با کره جنوبی و ژاپن، کاربست سیاست مهار با فشار تدریجی بر کره شمالی و همچنین اقدام های پیشگیرانه نسبت به رفتارهای چین ادامه یافت. تا سال ۲۰۱۴ حدود ۲۰۰ هزار نیروی نظامی آمریکایی در نزدیک به ۱۵۰ کشور جهان مستقر بودند. ژاپن با بیش از ۲۵ درصد کل نیروها و کره جنوبی با بیش از ۱۴ درصد، جزو پنج کشور بالای این جدول بودند. یعنی دو کشور مستقر در آسیای شرقی که به واسطه سیاست های آمریکا در این منطقه با کره شمالی همواره دچار نزاع و تنش بوده اند، میزبان نزدیک به ۴۰ درصد از کل نیروهای آمریکایی بودند (MCCartney & McCartney, 2015:57; Chang, 2017).

این سیاست در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ نیز دنبال شد. در دوره ای حتی گفت و گوهایی در میان کره شمالی و آمریکا در سطوح بالا انجام شد، ولی در کنار این اقدام، فشارهای ایالات متحد نیز افزایش یافت. در این میان، کاربست قدرت بر چین در جهت کنترل

1. Paul Dundes Wolfowitz
2. AIM-120 Advanced Medium-Range Air-to-Air Missile
3. AMRAM

رفتارهای کره شمالی نیز روند افزایشی گرفت (Chang, 2017). در حالی که حتی پس از توافق سست ایالات متحد با کره شمالی در سال ۲۰۱۸ که در دیدار دونالد ترامپ و کیم جونگ اون انجام شد، سهام شرکت‌های تولیدکننده تسلیحات با کاهش هرچند اندک روبه‌رو شد. دو پیمانکار نظامی برتر آمریکایی در همان سال، یعنی لاکهید مارتین با ۱ درصد و نورثروپ گرومن با ۱,۳ درصد کاهش از شرکت‌های شاخص بودند. پیمانکارانی که هرکدام به‌نوعی در تداوم نزاع و اختلاف کره شمالی با کره جنوبی و ژاپن نقش مؤثری داشته‌اند (Johnson, 2018).

مناقشه‌ای که از مصادیق بارز اثبات تعارض منافع پیمانکاران نظامی آمریکا با پدیده صلح است. از این‌رو نه تنها تنش کره شمالی با کره جنوبی و ژاپن همچنان به دلیل تداوم خریدهای تسلیحاتی نامتعارف آن‌ها از آمریکا برقرار است، بلکه پیونگ یانگ را نیز به‌سوی ساخت تسلیحات هسته‌ای پیش برده است. تایوان هم دیگر مصداق آشکار این بی‌ثباتی است که به‌واسطه حمایت‌های تسلیحاتی آمریکا همواره مورد خشم چین بوده است. به‌کارگرفتن این سیاست از سوی ایالات متحد در کنار درمان‌نشدن این درد مزمن، منافع کشورهای این منطقه را در معرض تهدید قرار داده است. حتی به سبب واکنش چین، در بسیاری از زمان‌ها سطح برخورد واشینگتن و پکن را به میزان چشمگیری افزایش داده است (Thrall & Dorminey, 2018; Klingner, 2014).

۱. لاکهید مارتین

شرق آسیا از مناطقی است که مقام‌های آمریکایی به‌واسطه مجتمع‌های نظامی-صنعتی و ضلع قدرتمند آن پیمانکاران نظامی حساب ویژه‌ای برای تثبیت ناامنی در آن باز کرده‌اند. این سیاست با توجیه ایجاد محدودیت قدرتی به نام چین، همواره در دو دهه اخیر، این منطقه را به محلی برای ایجاد تنش و درگیری تبدیل کرده است که آتش التهاب آن پیوسته روشن است. در سال ۲۰۰۹، چند روز پس از بستن قرارداد فروش سامانه دفاع موشکی پاتریوت، ساخت شرکت لاکهید مارتین به تایوان از سوی ایالات متحد، که در دولت جرج بوش تصویب شده بود و ارزشی بالغ بر ۱ میلیارد دلار داشت، چین در پاسخ به این اقدام، یک فروند موشک آزمایش کرد (Neill, 2010).

همچنین در سال ۲۰۱۶ در یک کنفرانس خبری، دو کشور ایالات متحد و کره جنوبی اعلام کردند که به دلیل خطرهای ناشی از موشک‌های کره شمالی تا پایان سال ۲۰۱۷ سامانه دفاع موشکی تاد را در خاک کره جنوبی مستقر خواهند کرد. در پی این اقدام چین نسبت به افزایش تنش‌ها در شبه‌جزیره کره هشدار داد و این اقدام را تهدیدی برای خود برآورد کرد و کره شمالی را دستاویزی برای اجرای هدف‌های پشت پرده آمریکا دانست که همان روشن

نگه داشتن آتش درگیری در این منطقه و فشار به خود است. اما برنده واقعی این مناقشه پس از استقرار سامانه تاد در سال ۲۰۱۷، شرکت‌های سازنده آن مانند لاکهید مارتین بود. بازنده ماجرا در کنار کره جنوبی به واسطه تداوم تنش با کره شمالی و تیرگی روابط با چین، ایالات متحد بود که باید تاوان سودهای شرکتی همچون لاکهید مارتین را در برابر خدشه‌دار شدن روابطش با چین و تداوم تنش در شبه جزیره می‌پرداخت (Pollack, 2016).

شبهه این اقدام، اعلامیه سال ۲۰۱۸ وزارت دفاع آمریکا در مورد افزایش روابط دفاعی با اندونزی و مذاکره با این کشور برای فروش جنگنده‌های اف ۱۶ ساخت لاکهید مارتین و حاشیه‌های به وجود آمده پس از آن است. موضوعی که دلیل آن از سوی رسانه‌ها، حاشیه‌ها و اختلاف‌های موجود در مورد مسائل مربوط به دریای چین جنوبی و فشار به چین از سوی آمریکا بیان شد. استدلالی که مانند دیگر موارد مشابه خود، بیشتر بهانه‌ای برای ادامه روند افزایشی فروش تولیدات شرکت‌های تسلیحاتی همچون لاکهید مارتین و افزایش درآمدهای آن‌ها بود (Pho, 2018).

در همین زمینه در سال ۲۰۱۹ وزارت دفاع تایوان با چراغ سبز دولت ترامپ و در تداوم سیاست‌های به‌کارگرفته شده ایالات متحد در دوران پسایازده سپتامبر، با ارسال نامه‌ای خواستار دریافت جنگنده‌های جدید از این کشور شد. رسانه‌ها گفتند که درخواست تایوان خرید جنگنده اف ۱۶ است، اما مقام‌های این کشور مدعی بودند که هیچ محدودیتی برای خرید انواع جنگنده‌ها ندارند و حاضرند هر نوع جنگنده‌ای از جمله اف ۱۵، اف ۱۶، اف ۱۸ و حتی اف ۳۵ را بخرند اگر ایالات متحد علاقه‌مند به فروش آن باشد. در این میان تعدادی از فعالان در حوزه دفاعی - نظامی حامی پیمانکاران، بر این باور بودند که ترامپ باید برای نوسازی و بروزرسانی ناوگان هوایی این کشور، اقدام به فروش و همچنین بازسازی جنگنده‌های اف ۱۶ نیروی هوایی تایوان کند. آن‌ها معتقد بودند که شرکت سازنده اف ۱۶ یعنی لاکهید مارتین، می‌تواند نیازمندی‌های تایوان در این مورد را تأمین کند. اما از سوی دیگر این منافع آمریکا بود که به واسطه این اقدام‌ها جریان مجتمع‌های نظامی صنعتی و به دلیل خدشه‌دار شدن روابطش با چین، در معرض آسیب قرار می‌گرفت (Schmitt & Mazza, 2018, Mazza, 2019).

مسئله‌ای که در دو دهه اخیر بارها از سوی شرکت‌های تسلیحاتی آمریکا نادیده گرفته شده است و اقدام‌های مشابه این‌گونه، همواره و در موارد متعدد سبب موضع‌گیری منفی مقام‌های چینی شده است. تا جایی که حتی تحریم برخی از شرکت‌های تسلیحاتی آمریکایی را در پی داشته است که در منطقه شرق آسیا و برای برهم زدن توازن قدرت در این منطقه سلاح می‌فروختند. در ژوئیه ۲۰۲۰ وزارت خارجه چین با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که شرکت لاکهید مارتین آمریکا به دلیل بستن قرارداد تسلیحاتی ۶۲۰ میلیون دلاری موشک‌های زمین به هوا با تایوان و نقض حاکمیت این کشور مشمول تحریم و مجازات‌های آن خواهد شد. این

موضوع در حالی رخ داد که براساس آمارهای سال ۲۰۱۹ بیش از ۷۰ درصد فروش خالص لاکهید مارتین در ایالات متحد صورت می‌گرفت و آسیا و اقیانوسیه تنها سهم ۱۰ درصدی در فروش این شرکت داشتند (Elegant, 2020). اما مهم این بود که این قرارداد در کنار سود درخور توجه آن برای لاکهید مارتین، تیره‌شدن روابط ایالات متحد با چین را در پی دارد. مسئله‌ای که باید آن را هم‌سو با مؤلفه‌های نظریه‌نخبگان رابرت دال، در سیاست به‌کارگرفتن نفوذ جریان مجتمع‌های نظامی‌صنعتی بر سیاست خارجی ایالات متحد در برابر چین دانست.

۲. نورثروپ گرومن

همان‌طور که گفتیم سیاست‌های تنش‌زای ایالات متحد، به‌ویژه در سال‌های اخیر در برابر چین سبب تثبیت شرایط بحرانی در منطقه شرق آسیا شده است. این سیاست که برگرفته از منافع شرکت‌های تسلیحاتی مانند نورثروپ گرومن است، تداوم مناقشه‌های کره شمالی با کره جنوبی و ژاپن را موجب شده است. امضای قراردادهای تسلیحاتی گران‌قیمت با این دو کشور به بهانه ایجاد فشار و محدودسازی فعالیت‌های نظامی و هسته‌ای کره شمالی در کنار محدودسازی قدرت روزافزون چین از مصادیق آشکار حفظ شرایط اختلاف‌ها در این منطقه است.

بر این اساس در سال ۲۰۱۷ قرارداد ۶۵۷ میلیون دلاری فروش ۴ فروند هواپیمای بدون سرنشین «آر کیو ۴ گلوبال هاوک»^۱ به کره جنوبی با شرکت نورثروپ گرومن امضا و در سال ۲۰۱۹ اولین سفارش آن به این کشور تحویل داده شد. در آوریل ۲۰۲۰ شرکت نورثروپ گرومن در ادامه انجام تعهدهایش یک فروند دیگر از این نوع پهباد پیشرفته را تحویل داد. مسئله‌ای که نخستین بار با توثیق سفیر آمریکا در سئول رسانه‌ای شد و خشم مقام‌های کره جنوبی را نیز در پی داشت. موضوعی که همواره در سال‌های پیش از این نیز سبب حساسیت همسایه شمالی آن شد و اقدام‌های متقابل، از جمله آزمایش‌های متعدد موشکی آن را در پی داشت (Panda, 2020).

در حالی که شرکت‌های تسلیحاتی مانند نورثروپ گرومن از ایجاد تنش و اختلاف سود می‌بردند و با اعلام خبر فروش تولیدات خود به کره جنوبی ارزش سهامشان را افزایش می‌دادند، حتی توافق ابتدایی و نه چندان محکم ایالات متحد با کره شمالی که در دیدار ترامپ و کیم جونگ اون در سال ۲۰۱۸ انجام شد، سهام شرکت‌های تولیدکننده تسلیحات را با کاهش چشمگیری روبه‌رو کرد. در این میان شرکت و نورثروپ گرومن با ۱.۳ درصد از صنایع شاخص بیشترین کاهش را داشت. البته پیش از امضای این تفاهم‌نامه، کنگره آمریکا با پیشنهاد

بودجه بیش از ۷۰۰ میلیاردی ترامپ برای سال ۲۰۱۹ موافقت کرد. بودجه‌ای که سهم بیشتر آن مستقیم به حساب پیمانکاران نظامی مانند نورثروپ گرومن واریز شده و به‌نوعی جبران کسری سهام ازدست‌رفته این صنایع را پیشاپیش پرداخت می‌کرد. شرکتی که در تداوم تنش و اختلاف بین کره شمالی و دو کشور کره جنوبی و ژاپن نقش مؤثری را بر عهده داشته و به‌شکلی در التهاب روابط کره شمالی و در پی آن چین با ایالات متحد قدرت اثرگذاری دارد (Johnson, 2018).

شاید به همین دلیل نام این شرکت در شمار صنایع نظامی قربانی دزدی مالکیت معنوی از سوی چین قرار دارد. مسئله‌ای که از سال ۲۰۰۸ سبب حساسیت بیشتری شده است و هر از چندگاهی تیتراخبار رسانه‌ها می‌شود. در این مورد برخی از آمارها بیانگر زیان سالانه حدود ۶۰۰ میلیارد دلاری صنایع آمریکایی از این اقدام است که منافع ملی ایالات متحد را تهدید کرده است. موضوعی که در دوره‌ای سبب خشم باراک اوباما و موضع‌گیری او نسبت به چین شد و ترامپ نیز بارها آن را عنوان کرد و حتی در سند امنیت ملی ایالات متحد به‌عنوان یکی از تهدیدهای این کشور از آن نام می‌برد. در سال‌های اخیر نیز از بزرگ‌ترین دزدی‌هایی که آمریکایی‌ها، چین را به آن متهم می‌کنند، دزدی اطلاعات پیمانکار نظامی نورثروپ گرومن بوده است. از این رو، تعدادی از پژوهشگران بر این باورند که به‌واسطه دزدی اطلاعات سری نظامی در سال‌های اخیر توسط چینی‌ها، فناوری بسیاری از تسلیحات راهبردی آمریکا نیز برای رقیب خود آشکار شده است و در زمان لازم کارایی مناسب را نخواهد داشت و در صورت رویارویی نظامی و در میدان عمل، ارتش آمریکا با شکست سنگینی روبه‌رو خواهد شد. مسئله‌ای که باید یکی از دلایل مهم آن را در تعارض منافع دو کشور یافت که به‌واسطه نفوذ جریان مجتمع‌های صنعتی-نظامی و در بالای آن شرکت‌های تسلیحاتی در تصمیم‌گیری‌های مقام‌های آمریکایی ایجاد شده است (Bradley, 2019; Walters & Beleson, 2018; National Security Strategy, 2017).

در این میان موضوع با اهمیت، دلیل اصلی اقدام چینی‌ها است که در سال‌های اخیر و در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ نیز ادامه داشته است. اقدامی که پاسخ آن را باید در سیاست‌های تهاجمی و محرک ایالات متحد در برابر این کشور در منطقه شرق آسیا یافت. این حاکمان آمریکایی هستند که به‌سبب به‌کارگرفتن سیاست خارجی تنش‌زا در این منطقه که با هدف کنترل و محدودسازی چین صورت می‌گیرد، واکنش این کشور را در رویارویی با رفتارهای آمریکا شکل می‌دهد و به روابط دو طرف خدشه وارد می‌کند. سیاست‌هایی همچون بستن قراردادهای تسلیحاتی و فروش انواع تسلیحات سنگین به دو کشور کره جنوبی و ژاپن به بهانه تهدید موشکی پیونگ یانگ که همواره در سال‌های اخیر این دو را در شمار بالاترین کشورهای واردکننده سلاح در جهان قرار داده است. اقدام‌هایی که در چارچوب منافع جریان

مجتمع‌های نظامی - صنعتی و به‌ویژه ضلع قدرتمند آن یعنی پیمانکاران نظامی آمریکا انجام می‌شود (Johnson, 2004:151).

نتیجه

پس از رویداد یازده سپتامبر و اعلام دولت بوش پسر، مبنی بر تغییر سیاست خارجی ایالات متحد و ورود آن به جنگی بی‌پایان با تروریسم بین‌المللی، بهانه‌ای برای لشکرکشی این کشور به غرب آسیا برای مقابله با گروه‌های به‌نظر آن تروریستی فراهم شد. پیرو این مسئله قدرت‌های بزرگی چون روسیه و حتی چین نیز با سیاست‌های آمریکا همراهی کردند. موضوعی که با مشخص شدن ابعاد پنهان آن و افزایش اقدام‌های تنش‌زای ایالات متحد در دیگر مناطق جهان از جمله آسیای شرقی و اروپای شرقی و راهبرد رؤسای جمهور آمریکا که در راستای محدودسازی قدرت دو کشور چین و روسیه صورت می‌گرفت، موجب تجدیدنظر این دو در همراهی با سیاست‌های به اصطلاح ضدتروریسم آمریکا و مقابله به‌مثل آن‌ها به شکل‌های گوناگون در رویارویی با این رفتارهای تنش‌زا شد.

در هنگامه بروز این اقدام‌ها، مجتمع‌های نظامی - صنعتی، ضمن تزریق خون تازه به شریان خود، روند افزایشی نفوذ هرچه بیشتر در ارکان سیاسی آمریکا را با رضایت‌مندی شدیدی نگاه می‌کرد. موافقان و سودبرندگان همیشگی نزاع و درگیری که با بهره‌مندی کامل از ظرفیت‌های در اختیار، بیشترین استفاده را در جهت داشتن نقش ویژه در سیاست‌سازی رهبران آمریکایی و گرایش آنان به سوی به‌کارگرفتن سیاست‌های تنش‌زا برده‌اند. پیمانکاران نظامی که مطابق با نظریه نخبگان رابرت دال با نفوذ در ساختار سیاسی آمریکا و همچنین ارتباط دو سویه با دیگر ارکان مجتمع‌های نظامی - صنعتی یعنی کنگره، قوه مجریه و اندیشکده‌ها، با تهدید جلوه‌دادن دو کشور روسیه و چین و فروش تسلیحات و تجهیزات نظامی به کشورهای درگیر در مناطق آسیای شرقی و اروپای شرقی، منافع عظیمی را نصیب خود کرده‌اند.

شرکت‌های تسلیحاتی چون لاکهید مارتین و نورثروپ گرومن که با بستن قراردادهای تسلیحاتی با برخی از کشورها مانند کره جنوبی، ژاپن، تایوان یا اندونزی در منطقه شرق آسیا و رومانی، لهستان یا چک در اروپای شرقی و استقرار انواع تسلیحات سنگین و سیستم‌های موشکی در آن‌ها، هم‌سو با منافع خود موجب بی‌ثباتی مستمر در این مناطق و گرایش آنان به سوی تنش‌های دائمی شده‌اند. اقدامی که در موارد متعدد به سبب تحریک دو کشور روسیه و چین و اقدام‌های آن‌ها از جمله روند افزایشی بودجه نظامی، ساخت انواع جنگ‌افزار متناسب با تهدیدهای جنگ افزارهای آمریکایی، تحریم پیمانکاران نظامی این کشور و همچنین سرقت مالکیت معنوی تسلیحات پیشرفته آن، قدرت نظامی ایالات متحد را در رویارویی با این دو کشور در میدان عمل با چالش روبه‌رو کرده است.

References

- Alliance Ground Surveillance** (2019), Available at: https://www.nato.int/cps/en/natolive/topics_48892.htm, (Accessed on: 23/2/2021)
- Baldwin, David (2016), **Modern Power Analysis. in: Power and International Relations: A Conceptual Approach**, Princeton: Princeton University Press. doi:10.23943/princeton/9780691170381.003.0002
- Bradley, Robin (2019), **The Contours of the United States' Shadow War**, Available at: <https://www.newamerica.org/weekly/americas-shadow-war-russia-china/>, (Accessed on: 6/6/2019)
- Chang, Booseung (2017), **A Political Earthquake in Seoul and Its Repercussions for U.S. Policy**, Available at: <https://www.rand.org/blog/2017/01/a-political-earthquake-in-seoul-and-its-repercussions.html>, (Accessed on: 25/1/2019)
- Chossudovsky, Michel (2018), **Dangerous Crossroads: Both Russia and America Prepare for Nuclear War?** Available at: <https://www.globalresearch.ca/dangerous-crossroads-both-russia-and-america-prepare-for-nuclear-war/5548074>, (Accessed on: 20/3/2020)
- Cloughley, Brian (2018), **NATO Is a Goldmine for US Weapons' Industries**. Available at: <https://www.strategic-culture.org/news/2018/07/30/nato-is-goldmine-for-us-weapons-industries/>, (Accessed on: 30/7/2020)
- Cole, Chris (2013), **Drone Proliferation in Europe: Domestic Surveillance and Unmanned Warfare**, Available at: <https://www.globalresearch.ca/drone-proliferation-in-europe-domestic-surveillance-and-unmanned-warfare/5335752>, (Accessed on: 20/5/2019)
- Cudworth, Erica and McGovern, John and Timothy, Hall (2007), **The State and the Power Elite, in: The Modern State: Theories and Ideologies**. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Dahl, Robert (1958), "A Critique of the Ruling Elite Model", **The American Political Science Review**, Vol. 52 , No. 2 , pp. 463 - 469. doi:10.2307/1952327
- Daloz, Jane (2010), "Introduction: Elites and their Representation: Multi-Disciplinary Perspectives", **Historical Reflections / Réflexions Historiques**, Vol. 36, No. 3, pp.1 – 6. doi: 10.3167/hrrh.2010.360301
- Elegant, Naomi (2020), **Why China is Sanctioning Lockheed Martin**. Available at: <https://fortune.com/2020/07/14/china-sanctions-lockheed-martin/>, (Accessed on: 25/9/2020)
- Friedman, Benjamin (2011), **The Survival of Dumb Ideas**, Available at: <https://www.cato.org/blog/survival-dumb-ideas>, (Accessed on: 12/2/2019)
- Gansler, Jacques (2011), **Democracy's Arsenal: Creating a Twenty-First-Century Defense Industry**, London, England: The MIT Press.
- Hadar, Leon (2009), **With Missile Shield Change, National Interests Get a Leg Up on the Military-Industrial Complex**. Available at: <https://www.cato.org/publications/commentary/missile-shield-change-national-interests-get-leg-military-industrial-complex>, (Accessed on:22/9/2020)
- Haines, John (2016), **If the Atlantic Ocean Is the New Black Sea, What's the Black Sea? Aegis Ashore and the Black Sea Region's Changing Security**

- Dynamic**, Available at: <https://www.fpri.org/article/2016/07/atlantic-ocean-new-black-sea-whats-black-sea-aegis-ashore-black-sea-regions-changing-security-dynamic> (Accessed on: 5/7/2019)
- Hartung, William (2012), **The Prophets of War, Lockheed Martin and The making of the Military-Industrial Complex**, New York, U.S.A: Bold Type Books.
- Hartung, William (2019), **The Raytheon United Technologies Merger and the Military Industrial Complex**. Available at <https://www.globalresearch.ca/william-hartung-raytheon-united-technologies-military-industrial-complex/5688579>, (Accessed on: 18/3/2020)
- Hurd, Hilary (2017), **Fighting Corruption Is a Security Imperative, Not a Moral Crusade**. Available at: <https://www.newamerica.org/weekly/edition-153/fighting-corruption-security-imperative-not-moral-crusade>, (Accessed on: 16/2/2020)
- Italie, H (2014), **Robert A. Dahl, Yale professor and Political Scientist Who Wrote on Democracy, dies at 98**, vailable at: https://www.washingtonpost.com/national/robert-a-dahl-yale-professor-and-political-scientist-who-wrote-on-democracy-dies-at-98/2014/02/08/505b4140-9012-11e3-b46a-5a3d0d2130da_story.html, (Accessed on: 8/2/2020)
- Johnson, Chalmers (2004), **The Sorrows of Empire: Militarism, Secrecy, and the End of the Republic**, New York, USA: Metropolitan Books.
- Johnson, Jake (2018), **Peace Is “Bad for Business”: Defence Stocks Plummet After Trump-Kim Summit**, Available at: <https://www.globalresearch.ca/peace-is-bad-for-business-defence-stocks-plummet-after-trump-kim-summit/5644153>, (Accessed on: 14/1/2020)
- Klingner, Bruce (2014), **The U.S. and South Korea Should Focus on Improving Alliance Capabilities Rather Than the OPCON Transition**, Available at: <https://www.heritage.org/global-politics/report/the-us-and-south-korea-should-focus-improving-alliance-capabilities-rather>, (Accessed on: 8/3/2019)
- Korb, Lawrence and Ogden, Peten (2005), **A Time for U.S. Diplomacy in East Asia**, Available at: <https://www.americanprogress.org/article/a-time-for-u-s-diplomacy-in-east-asia/>, (Accessed on: 9/5/2020)
- Lofgren, Mike (2016), **The Deep State: The Fall of the Constitution and the Rise of a Shadow Government**, New York: Penguin Book.
- Mazza, Michael (2019), **Assessing the Utility of New Fighter Aircraft for Taiwan’s Defense Needs**, Available at: <https://www.aei.org/articles/assessing-the-utility-of-new-fighter-aircraft-for-taiwans-defense-needs>, (Accessed on: 7/5/2019)
- MCCartney, James and McCartney, Molly (2015), **Americas War Machine**, New York, USA: Thomas Dunne Books.
- National Security Strategy of the United States of America** (2017), Available at <https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2017/12/NSS-Final-12-18-2017-0905.pdf>, (Accessed on: 17/3/2020)

- Neill, Alexander (2010), **Spears and Shields: China's 11 January Missile Defence Test**. Available at: <https://rusi.org/commentary/spears-and-shields-chinas-11-january-missile-defence-test>, (Accessed on: 3/9/2019)
- Oliker, Olga (2016), **Unpacking Russia's New National Security Strategy**, Available at: <https://www.csis.org/analysis/unpacking-russias-new-national-security-strategy>, (Accessed on: 14/6/2019)
- Panda, Ankit (2020), **Next RQ-4 Global Hawk Drones Arrive in South Korea**, Available at: <https://thediplomat.com/2020/04/next-rq-4-global-hawk-drones-arrive-in-south-korea/>, (Accessed on: 9/2/2020)
- Pavelec, Michael (2010), **Military Industrial Complex and American Society**, California, USA: ABC-CLIO.
- Pho, Sandy (2018), **The Month in US-China Relations**, Available at: <https://www.wilsoncenter.org/article/the-month-us-china-relations-zhong-mei-guan-xi-yi-ge-yue-january-2018>, (Accessed on: 17/1/2020)
- Pieraccini, Federico (2017), **The Military Industrial Complex Is Undermining US National Security**, Available at: <https://www.globalresearch.ca/the-military-industrial-complex-is-undermining-us-national-security/5601108>, (Accessed on: 23/3/2020)
- Pollack, Jonathan (2016), **South Korea's THAAD Decision: Neither a Surprise nor a Provocation**, Available at: <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2016/07/08/south-koreas-thaad-decision-neither-a-surprise-nor-a-provocation>, (Accessed on: 8/7/2016)
- Schmitt, Gary and Mazza, Michael (2018), **The F-35: How Taiwan Could Really Push Back against China**, Available at: <https://www.aei.org/articles/the-f-35-how-taiwan-could-really-push-back-against-china>, (Accessed on: 19/1/2020)
- Thrall, trevor and Dorminey, Caroline (2018), **Risky Business: The Role of Arms Sales in US Foreign Policy**, Available at: <https://www.cato.org/publications/policy-analysis/risky-business-role-arms-sales-us-foreign-policy>, (Accessed on: 13/3/2020)
- Wall, Robert (2014), **Drone Maker Northrop Grumman Eyes Europe Orders**, Available at: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/natosource/drone-maker-northrop-grumman-eyes-europe-orders/>, (Accessed on: 21/8/2019)
- Walters, Relay and Beleson, David (2018), **This Chinese Company's Intellectual Property Theft Is No Isolated Incident**, Available at: <https://www.heritage.org/asia/commentary/chinese-companys-intellectual-property-theft-no-isolated-incident>